

## Journal of Heroic Literature

Print ISSN: 2783-0675 Online ISSN: 2783-0683

<https://heroic.lu.ac.ir>

Vol. 2, No. 2, Issue: 3, Autumn & Winter 2024

### The Ritual Weapon of Killing Dragons in Persian Epics

Ali Farzaneh Ghasrdashti<sup>1</sup>

Golnar Qalekhani<sup>2</sup>

1- Ph.D. in Persian language and literature, Shiraz University (Corresponding author)

[afqd1991@gmail.com](mailto:afqd1991@gmail.com)

2- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shiraz University

#### Article Info

**Article Type:**  
Original Article

Received: 2024/07/23  
Revised: 2024/08/28  
Accepted: 2024/10/02  
Published: 2024/10/22

**Keyword:**

Wand;  
Dragon-killing;  
Rhetoric;  
Drought;  
Fertility.

#### Abstract

One of the recurring issues in Iran's mythology and epics is dramatization, and what appears in some of these battles is symbols. Dragons are usually killed in the mythological and epic stories of Iran. Killing the dragon with this weapon in the myths and other epics of other indigenous and European nations also has examples that are known as the ritual of the dragon warrior. This article explains why the wand has become a ritual weapon. The wings of the mythological and epic hawks of Iran are cow-shaped. The cow, as the symbol of dignity and fertility is opposed to the dragon as a symbol of dignity and fertility against drought. This idea has made the cattle wand as a symbol of the courage and fertility of the ritual of killing the dragon as a symbol of drought; in fact, the reason for this is in the shape of the wand and its symbolism.

**Cite this article:** Farzaneghasroldashti, A., & Ghalekhani, G. (2024). The Ritual Weapon of Killing Dragons in Persian Epics. *Journal of Heroic Literature*, 2(2), 165-174.

doi: <http://doi.org/10.22034/heroic.2024.2.3.11>

© The Author(s)

**Publisher:** Lorestan University



ادبیات پهلوانی، نشریه علمی دانشگاه لرستان

شاپا چاپی: ۰۶۷۵-۲۷۸۳ / شاپا الکترونیکی: ۰۶۸۳-۲۷۸۳

<https://heroic.lu.ac.ir>

سال دوم، شماره دوم، پیاپی سوم، پائیز و زمستان ۱۴۰۳

صفحات ۱۶۵-۱۷۴

## سلاح آیینی اژدهاکشی

گلنار قلعه‌خانی<sup>۲</sup>

علی فرزانه قصرالدشتی<sup>۱</sup>

۱- دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسیدانشگاه شیراز. (نویسنده مسؤل) [afqd1991@gmail.com](mailto:afqd1991@gmail.com)

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱</p>	<p>یکی از مباحث تکرار شونده در اساطیر و حماسه‌های ایران اژدهاکشی است. نبرد با اژدها یکی از انواع جنگ‌های حماسی و اساطیری به شمار می‌رود و آنچه در بعضی از این گونه نبردها نمایان می‌شود، نمادها هستند. اژدها در داستان‌های اساطیری و حماسی ایران، عموماً با گرز کشته می‌شود. کشتن اژدها با این سلاح در اساطیر و حماسه‌های دیگر ملل هند و اروپایی نمونه‌هایی دارد؛ به گونه‌ای که سلاح آیینی اژدهاکشی گرز شناخته می‌شود. در این مقاله بررسی شده که چرا گرز به‌عنوان سلاح آیینی این کار درآمده است؟ گرزهای پهلوانان اساطیری و حماسی ایران گاو شکل است. تقابل گاو با اژدها، به‌عنوان نمادهای ترسالی و باروری در مقابل خشکسالی، باعث شده است تا گرز گاو شکل، به‌عنوان نماد ترسالی و باروری سلاح آیینی کشتن اژدها به‌عنوان نماد خشکسالی شناخته شود؛ در واقع علت این امر در شکل گرز و نمادشناسی آن است.</p>

### کلیدواژه‌ها:

گرز؛

اژدهاکشی؛

سلاح آیینی؛

ترسالی و خشکسالی.

استناد: فرزانه قصرالدشتی، علی & قلعه‌خانی، گلنار. (۱۴۰۳). سلاح آیینی اژدهاکشی. *ادبیات پهلوانی*. 2(2), 165-174.

doi: <http://doi.org/10.22034/heroic.2024.2.3.11>

ناشر: دانشگاه لرستان

© The Author(s)



## ۱. مقدمه

در متون و روایت‌های حماسی و اساطیری، ممکن است حتی نکته‌های بسیار ظریف و آنچه کم‌اهمیت می‌نماید، ریشه در باورهای اساطیری مهم و عمیقی داشته باشد. این موارد عموماً تکرار شونده هستند و اگر در حماسه‌ها حضور دارند، نمودهای اساطیری در آن‌ها دیده می‌شود. یکی از نمونه‌های این نکته‌های باریک، سلاح کشتن اژدهاست که پهلوان‌ها عموماً برای کشتن این موجودات از گرز استفاده می‌کردند؛ یا مرگ رویین تنان عموماً با گیاهان پیوند دارد. شاید در آغاز این اشتراکات عادی به نظر برسد؛ اما زمانی که تکرار شونده باشند و مثلاً دیده شود سلاح آیینی اژدهاکشی اغلب گرز است، این سؤال شکل می‌گیرد که چرا اژدها می‌بایست با این سلاح کشته شود؟

بسیاری از حماسه‌ها شکلی دگرگون شده از روایتی اسطوره‌ای هستند و مقوله اژدها کاملاً از مباحث اساطیری به حماسه راه یافته است؛ بنابراین برای یافتن پاسخ، باید به پیشینه اساطیری اژدها و گرز بازگشت و آن‌ها را بررسی کرد. در ادامه، نخست نمونه‌های اژدهاکشی گفته و به بررسی آن‌ها و سلاح‌های این عمل پهلوانی پرداخته شده است؛ سپس به توصیف گرز اژدهاکشی و نمونه‌های آن اشاره کرده‌ایم و بعد از آن به پیشینه اساطیری اژدها و گرز و تحلیل آن‌ها پرداخته‌ایم تا علت کشتن اژدها با گرز روشن شود.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. نمونه‌های جنگ با اژدها و سلاح‌های به کار رفته

میترا از اژدهاکشان اساطیر ایرانی و سلاح اصلی او گرز است. «نشانه‌هایی از اژدهاکشی مهر با گرز در آیین مهرپرستی غربی به جا مانده است» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). اسطوره اژدهاکشی، یکی از مناسک بااهمیت تشریف‌نویسان مهری بوده است و این موضوع در جشن مهرگان و داستان فریدون و ضحاک و همچنین رسم مهری که پیر در نمایشی رمزی با گرز اژدها را می‌کشد، نمایان است (همان: ۲۴۰). گرز مهر در روایت‌های مهری و زرتشتی گاوسر توصیف شده است (هینلز، ۱۳۸۵: ۳۷۹).

کسی که در فرجام جهان ضحاک را نابود می‌کند، گرشا سپ یا سام است. در متون فارسی میانه به گرز گاوسر گرشاسپ و یا گرز سام، به عنوان سلاح کشتن ضحاک (اژدهایی که در اوستا با نام اژی‌دهاک توصیف شده) اشاره شده است. در قطعه‌ای از دادستان دینی آمده است: «... مردی تهم پیش از رستاخیز برخیزانده شود و گرشا سپ سامان نام دارد. او به یک گرز گاو سار آن دروغ (ضحاک) را بشکند» (به نقل از سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). همچنین در بندهشن آمده است: «در باره ضحاک که او را بیوراسب خوانند، گوید... هنگامی که رها شود، سام خیزد، او را گرز زند و اوژند» (دادگی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

اولین نمونه مبارزه با اژدها در شاهنامه و یکی از مهم‌ترین نمونه‌های آن تقابل فریدون با ضحاک است. ضحاک در شاهنامه، برابر فریدون، یکی از مهم‌ترین اژدهاکشان روایت‌های ایرانی قرار دارد و فریدون او را با گرز گاوسر خود می‌زند:

بدان گرزۀ گاوسر دست برد  
بزد بر سرش ترگ بشکست خرد  
(فردوسی، ۱۳۶۶: ۸۲)

و در دماوند به بند می‌کشد.

بر اساس روایت زامیادیشیت، در بند ۹۲، خود فریدون با گرز پیروزمند آزرده، اژی دهاک یا ضحاک را می‌کشد:

«vazrəm vaêjō yim vārəθraynim yim barat̄ taxmō θraētaonō yaṭ ažiš dahākō jaini;»

(هومباخ، ۱۹۹۸: ۵۹).

در ریگودا نیز از ایندیره به عنوان کشنده ویشوه‌روپه یاد شده (جلالی نائینی، ۱۳۸۵: ۲۴۸) که در بعضی موارد ایندیره با تریته یکسان یا همکار و کشنده این اژدهای سه سر و شش چشم (همان توصیف ضحاک در اوستا) است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۲۲۲ و ۲۲۳).

یکی دیگر از نمونه‌های مهم اژدهاکشی در روایت‌های ملی ایران، کشته شدن افراسیاب به دست کیخسرو است. افراسیاب موجودی اهریمنی است که بر اساس پژوهش آیدنلو، به احتمال بسیار، در روایت‌های پیشین اژدها بوده است (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۸۹ تا ۱۲۰) و با هر حمله خود به ایران، خشکسالی به بار می‌آورد. در روایت شاهنامه، کیخسرو افراسیاب را به خونخواهی از اغریث، نوذر و سیاوش با شمشیر گردن می‌زند:

به شمشیر هندی بزد گردنش به خاک اندرافکنند نازک‌تنش

(فردوسی، ۱۳۷۳: ۳۲۲)

اما بر اساس متون کهن‌تر، کیخسرو با گرز افراسیاب را نابود می‌کند. بر اساس بند ۹۲ و ۹۳ زامیادیشیت، کیخسرو با همان گرز پیروزمند آزرده که فریدون با آن ضحاک را می‌کشد، افراسیاب را از بین می‌برد:

«vazrəm vaêjō.../ yim barat̄ kauua haosrauua yaṭ turō jaini franrase»

(هومباخ، ۱۹۹۸، ۵۹).

بنابراین در این روایت هم پهلوان با گرز گاوسر اژدهایی را نابود می‌کند.

در کتاب روایت پهلوی، روایتی از کشته شدن اژدهای شاخ‌دار به دست گرشاسب آمده است که در آنجا نیز سلاح گرشاسب گرز است. در این روایت از زبان گرشاسب آمده است: «اژدهای شاخ‌دار اسب‌اوبار و مردم‌اوبار را کشتم... به اندازه نیم‌روز به پشت او همی‌تاختم تا سرش را به دست گرفتم و گرز را بر گردنش زدم و او را کشتم» (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۲۹ و ۳۰).

گرشاسب، یا به روایت شاهنامه سام، با گرز گاوسر اژدهای رود کشف را نابود می‌کند. بر اساس روایتی که در شاهنامه به آن اشاره شده است، سام نخست چند تیر به اژدها می‌زند و دهان او را می‌دوزد و سپس او را با گرز نابود می‌کند:

برون آمد و کرد گیتی چو کف...

جهانی مرو را سپردند جای...

نشستم بران پیل‌پیکر سمند

به بازو کمان و به گردن سپر...

برو کوه بارید گفתי سپهر

(فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۲ و ۲۳۳)

چنان اژدها کو ز رود کشف

زمین گشت بی‌مردم و چارپای

میان را بیستم به نام بلند

به زین اندرون گرزۀ گاوسر

زدم بر سرش گرزۀ گاوچهر

لازم به ذکر است که از این اژدها با نام‌های دیگر در روایت‌های ملی مثل گرشاسب‌نامه و سام‌نامه یاد شده است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۷۱ تا ۲۶۶).

در منظومه گرشاسب‌نامه، این پهلوان به درخواست ضحاک به جنگ اژدهایی می‌رود که انسان‌ها، چهارپایان و مزارع را نابود می‌کند:

ز مردم بپرداخت این بوم و مرز هم از چارپای و هم از کشت‌ورز  
(اسدی‌طوسی، ۱۳۸۹: ۷۵)

در این روایت گرشاسب پیاده به رزم اژدها می‌رود و با گرز او را نابود می‌کند:

به گرز گران یاخت مرد دلیر در آمد خروشنده چون تندشیر  
بدانسان همی‌زدش با زور و هنگ که از گه به زخمش همی‌ریخت سنگ  
سر و مغزش آمیخت با خاک و خون شد آن جانور کوه جنگی نگون  
(همان: ۷۹)

رستم در دوران کودکی برای کشتن ببر بیان که از آن به‌عنوان اژدها یاد شده، تدبیری دگرگونه می‌اندیشد. او خانه‌ای آهنین ساخته و خود درون آن می‌رود. چون اژدها خانه را می‌بلعد، رستم از درون آن بیرون آمده و از درون، بدن اژدها را پاره می‌کند؛ اما اژدها کشته نشده و قصد دارد به دریا بازگردد که رستم با گرز او را می‌زند و می‌کشد:

ز دریا به پس روی برگاشته به گرز گران گردن افراشته  
بزد بر سرش چند گرز گران که اندر سرش خرد شد استخوان  
(هفت‌منظومه حماسی، ۱۳۹۴: ۲۶۷)

در آغاز داستان اشاره شده‌است که او برای رفتن به جنگ اژدها، سلاح خاص سام را که در متون حماسی تصریح شده گرز گاو سر است، با خود می‌برد:

از آن نامداران فرخنده‌نام گزید او سلیح سپهدار سام  
(همان: ۲۳۸)

در فرامرزنامه بزرگ، فرامرز به جنگ دیوی می‌رود که دختر پادشاه کهیلا را ربوده، این اژدها را کشته و دختر را آزاد می‌کند:

ز زین کوهه گرز گران برکشید نهی‌بش همی کوه خارا درید  
بزد بر سر دیو و بشکست پست فرود آمد و هر دو چنگش بیست  
(فرامرزنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۱۶۱)

احتمالاً این دیو در روایت‌های کهن‌تر اژدها بوده‌باشد و داستان بن‌مایه تکرارشونده‌ای است که اژدها، دختر باکره پادشاه را ربوده، پهلوان پس از کشتن اژدها و نجات‌دادن دختر با او ازدواج می‌کند.

در روایت‌های عامیانه‌ای که درباره رستم وجود دارد، به داستان رستم و دیو دوسر اشاره شده‌است. داشتن چند کله از ویژگی‌های اژدهایان است و در روایات حماسی، دیوها عموماً موجوداتی شبیه به انسان تو صیف می‌شوند. اگر بپذیریم که این دیو، گونه‌ای اژدهاست، می‌بایست این نمونه را هم به موارد اژدهاکشی با گرز

افزوده کرد. در این داستان اشاره شده است که «رستم با گرزش سر او را از تن جدا کرد» (انجوی شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۲۱).

## ۲-۲. سلاح اژدهاکشی

توصیف ابزارهای جنگی ایزدان و پهلوانان یکی از بن‌مایه‌های روایات‌های اساطیری و حماسی ایرانی بوده است. در باورهای اساطیری و حماسی، اژدها با رزم‌افزارهای متفاوتی کشته می‌شود که گرز اصلی‌ترین آن‌هاست. باید در نظر داشت که در اژدهاکشی قهرمانان، همیشه گرز سلاح نابود کردن زینکار نیست؛ مثلاً رستم در خوان سوم با شمشیر اژدها را می‌کشد و یا اسفندیار و فرامرز برای کشتن اژدها گردونه‌ای می‌سازند و به درون شکم اژدها می‌روند و از درون او را می‌وبارند. همچنین گاه دلیل استفاده از گرز در اژدهاکشی این است که سلاح‌هایی چون نیزه و تیر بر اژدها کارگر نیست؛ در همین موارد، بعضاً از شمشیر برای کشتن اژدها استفاده شده است؛ مثل کشته شدن اژدهای کپی در شاهنامه (فردوسی، بی‌تا: ۱۸۱ و ۱۸۲)؛ اما آنچه مهم است این است که به‌طور کلی «در اساطیر هند و ایرانی گرز به‌عنوان زین‌افزار ویژه ایزدان اژدهاکش، نماد آیینی تندر و آذرخش است که به وسیله آن اژدهای کیهانی اوژنیده می‌شود؛ چنانکه در وداها سلاح مخصوص اندره گرز است» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۱۹) و آذرخش نیز در دست دارد؛ یا در اساطیر یونانی، زئوس برای نابود کردن تیفون که در نگاره‌ها به هیأت اژدهایی کشیده می‌شود، از آذرخشی که سیلکوپ به او می‌دهد، استفاده می‌کند (پین‌سنت، ۱۳۸۷: ۲۵)؛ بنابراین گرز سلاحی آیینی برای کشتن اژدهاست و ریشه در باورهای اساطیری دارد. در روایت‌های پیش از اسلام، سلاح اصلی میترا گرز معرفی شده که روزی سه‌بار به سر دیوان دوزخ می‌زند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴۴) یا به روایتی، روزی سه‌بار گرز خود را بر فراز دوزخ به چرخش می‌آورد تا بر دیوان عقوبتی بیش از آنچه سزاوار آنند، تحمیل نشود (هینلز، ۱۳۸۵: ۳۷۹). در بند ۹۶ مهریشت، گرز میترا چنین توصیف شده است: «گرزی با صد گره و صد تیغه... از فلز زرد، ریخته شده از زر سخت» (پوردادود، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۷۷) و در داستان‌های مهری و زرتشتی، شکل آن به‌صورت گاو تصویر شده است (هینلز، ۱۳۸۵: ۳۷۹). گرز فریدون و گرشاسب نیز، به‌عنوان دو اژدهاکش اصلی روایت‌های اساطیری و حماسی ما، شکل قابل‌تأملی دارند و گاوسر هستند. درباره گرز فریدون در شاهنامه آمده:

نگاری نگارید بر خاک پیش	همیدون بسان سر گاو میش
بدان دست بردند آهنگران	چو شد ساخته کار گرز گران
به پیش جهانجوی بردند گرز	فروزان به کردار خورشید برز
	(فردوسی، ۱۳۶۶: ۷۱)

و در دیگر جاهای شاهنامه، به شکل گاو مانند این گرز اشاره شده است:

سرش را بدین گرز گاوچهر	بکوبم، نه بخشایش آرم نه مهر
	(همان: ۷۶).

همین گرز است که در دست پادشاهانی چون کاووس، کیخسرو، انوشیروان و... دیده می‌شود و به روایت اوستا، کیخسرو با آن افراسیاب را می‌کشد (هومباخ، ۱۹۹۸: ۵۹). این گرز از لوازم پادشاهی به شمار می‌آید و تصریح شده که همان گرز فریدون است:

جهاندار شاه آفریدون سه‌چیز بران پادشاهی برافزود نیز:  
یکی تخت و آن گرزۀ گاوسار که مانده‌ست ازو در جهان یادگار  
(فردوسی، بی‌تا: ۲۷۳ و ۲۷۴)

درباره شکل گرز فریدون دو نظر ارائه شده‌است. عده‌ای آن را برگرفته از توتم خانوادگی فریدون و گاوزادگی او و همچنین مرتبط با گاو برمایه گفته‌اند (جعفری‌دهقی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۳۹ تا ۵۷). عده‌ای نیز آن را برگرفته از اسطوره میترا و گرز میترا را تکرار اسطوره نبرد مهر با گاو و قربانی این موجود می‌دانند (قائمی، ۱۳۹۱: ۸۹ تا ۱۱۰). این دو نظر کاملاً از هم جدا نیستند. در واقع گاو خاندان فریدون، پادشاهی که فرۀ کشاورزی دارد، فرزند آب‌یار و از خاندان مرتبط با کشاورزی و باروری (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱ تا ۲۸) همان نماد گاو آیین میترا است که قربانی آن برای باروری زمین انجام می‌شود. به هر حال شکل گاو مانند گرز فریدون، چه برگرفته از توتم خانوادگی آن‌ها باشد و چه برگرفته از آیین مهری که با فریدون کاملاً مرتبط است، یک نماد را نشان می‌دهد و آن باروری است.

از دیگر سو، گرز گرشاسپ یا سام که در این خاندان به صورت وراثتی به فرزندان رسیده، گاوسر است. در متون فارسی میانه به شکل این گرز اشاره شده‌است که ذکر آن رفت. در شاهنامه نیز در چندین جا توصیف این گرز آمده‌است. جایی درباره سام آمده:

نشست از بر نامور تخت عاج به سر برنهاده فروزنده تاج  
ابا طوق زرین و زرین‌کمر ابا یاره و گرزۀ گاوسر  
(فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۸۱)

جایی دیگر درباره زال آمده‌است:

به دست اندرون داشت گرز پدر سرش گشته پرخشم و پر خون جگر  
بزد بر سرش گرزۀ گاورنگ زمین شد ز خون همچو پشت پلنگ  
(همان: ۳۱۲)

رستم نیز گزری گاوسر دارد و این همان گرز گرشاسپ است که از او به زال و از زال به رستم رسیده‌است. دکتر سرکاراتی در این باره می‌نویسد: «بخشیدن زال، گرز سام را به رستم، اصیل و جزء سنت‌های باستانی حماسه ایران است» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

در شاهنامه به اشخاص دیگری چون سیاوش، قارن، گیو و حتی کاموس، گرز گاوسر منسوب است که چون این پهلوانان اژدهاکش نیستند و احتمالاً این سلاح به تقلید از فریدون به آن‌ها نسبت داده شده‌است، به آن‌ها نمی‌پردازیم.

## ۲-۳. قابل گاو و اژدها

در اساطیر و حماسه‌های ایرانی، گاو و اژدها همیشه در تقابل با یکدیگر قرار داشته‌اند. این تقابل در اساطیر دیگر هند و اروپایی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً در اساطیر هند، تریته بعد از کشتن ویشوهروپه، گاوهایی که او در غاری پنهان کرده بود، آزاد می‌کند (رستگار، ۱۳۷۹: ۱۸۵). یا در نبرد ایندره و وریتره آمده‌است: «ورتره رویین تن بود؛ اما ایندره به نقطه ضعف او پی برد و او را شکست داد و تارانش را پس گاو ابر از بند رها و باران بر

زمین باریدن گرفت» (ایونس، ۱۳۸۱: ۱۸). تضاد میان گاو و اژدها به نمادپردازی اساطیری این دو موجود برمی گردد که نماد تضادهای خشک‌سالی و باروری هستند و عموماً در شکل جدیدتر اساطیر اژدها، گاوها یا زنانی باکره را که عموماً شاهزاده هستند، می‌رباید تا پهلوانی آن‌ها را آزاد می‌کند. «در شکل اولیه اسطوره اژدهاکشی، اژدها آب‌ها را به اسارت خویش درمی‌آورد و باعث خشکی و سترونی طبیعت می‌شود. ایزدی ارجمند به نبرد با اژدها می‌پردازد و در این نبرد سهمگین، اژدها به دست ایزد کشته می‌شود. در نتیجه آب‌ها آزاد می‌شود و بار دیگر سرسبزی و نشاط به طبیعت بازمی‌گردد... در این اسطوره‌ها، تحت تأثیر زندگی اجتماعی و فرهنگی بشر، به شیوه‌ای استعاری، عناصر دیگر جای‌عنصر آب را گرفت. اهمیت گاو در زندگی کشاورزی باعث شده که در برخی از اسطوره‌های مبتنی بر اژدهاکشی، عنصر گاو جای‌عنصر آب را بگیرد» (مالمیر؛ حسین‌پناهی، ۱۳۹۱: ۱۵۰). تقابل گاو و اژدها و کشتن اژدها به وسیله گاو در حماسه ایران به شکلی دیگر نیز نمودار شده است. اسکندر در شهر نرم‌پایان با اژدهایی روبه‌رو می‌شود؛ دستور می‌دهد تا پنج گاو را به زهر و نفت بیاکنند و برابر اژدها می‌نهند و این‌گونه اژدها را مسموم می‌کند و می‌کشد. برای روشن‌تر شدن این تقابل، نیاز است نمادهای گاو و اژدها شرح داده شود:

## ۲-۱-۳. گاو، نماد باروری، آفرینش و ترسالی:

چنانکه قبلاً هم اشاره شد، گاو در اسطوره‌های متأخرتر جای‌عنصر آب را در باروری می‌گیرد. گاو یکی از نمادهای بسیارمهم در باورهای اساطیری ایران است؛ اما نقش این حیوان تنها به اساطیر ایران محدود نمی‌شود. گاو از اساطیر سرخ‌پوستان تا سومر و مصر و هندواروپاییان، نماد باروری به شمار می‌آید (شوالیه؛ گریبان، ۱۳۸۵: ذیل گاو). این نقش گاو در اساطیر هندی و ایرانی بسیار بارز است. گاو در اساطیر هند الگوی ازلی مادر بارور و ابری به شمار می‌آید که باران حاصلخیز بر زمین می‌بارد (همان: ۶۷۲). در اساطیر ایرانی از ورزای، گاو آغاز آفرینش که با کیومرث آفریده می‌شود تا گاو قربانی شونده در آیین مهر، همه نمود آفرینش و باروری هستند. در روایتی مشهور از اساطیر ایرانی، حیوانات و گیاهان از بدن گاو آغاز آفرینش شکل می‌گیرند (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۸۲). در اساطیر مهری نیز نقش زایایی گاو بارز است. در تمثالی که از مهر کشیده می‌شود، گاو نماد باروری است که ایزد مهر با قربانی کردن آن به باروری کمک می‌کند. همچنین دو خرفستر به سمت بیضه او هستند، نقش اژدها و قصد دارند گاو را نابارور کنند. در اسکاندیناوی نیز گاو به گونه بارزی این نقش را دارد. در اساطیر آفرینش اسکاندیناوی، ماده‌گاو به نام اودهوملا نقش پررنگی دارد. او هم یمیر (خوراک همه موجودات آینده) را شیر می‌دهد و هم با لیسیدن یخ موجب پدید آمدن انسان می‌شود (دیویدسون، ۱۳۸۵: ۱۹۸ و ۱۹۹). همچنین بعضی مادرهای کبیر و ازلی یا ایزدان باروری به شکل گاو ترسیم شده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت «گاو ماده، قرن‌ها به‌عنوان نماد محسوس حیات و باروری در نزد اقوام چادرنشین و شبانان بوده است» (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۹)؛ اما نمادهای باروری صرفاً مربوط به گاو ماده نمی‌شود؛ بلکه گاو نر نیز نقش بارورکنندگی را دارد و در اساطیر ملل، از جمله ایران، به مانند گاو ماده با الگوی باروری در ارتباط است. در واقع گاو نر «قدرت و نیروی تولید مثل است» (هال، ۱۳۹۲: ۸۵).

## ۲-۳-۲. اژدها، نماد خشکسالی در ایران:

اژدها در اساطیر ملل نماد موارد متعددی است؛ اما درباره آنچه مربوط به موضوع مورد بحث است، باید گفت؛ اژدها یکی از نمادهای دوگانه و عجیب در سراسر جهان است. جالب است که این موجود در بعضی ملل نماد باروری و آسمان و در بعضی ملل نماد خشکسالی و سترونی به شمار می‌آید. «اژدها دو خصلته هست؛ هم ایزد باران است و هم دشمن ایزد باران؛ یعنی کسی که جلو ریزش باران را می‌گیرد» (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۷)؛ در اساطیر چین، اژدها نماد ابرها و آب به شمار می‌آید و «اژدهای سبز یا آبی... نماد بهاری بوده که باران حاصلخیزکننده را با خود می‌آورد» (هال، ۱۳۹۲: ۲۱). در اساطیر تائویی و بودایی نیز اژدها این خصوصیت را دارد (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۸). اوروبوس (اژدهایی که دم خود را در دهان دارد) نیز نماد باروری به شمار می‌آید. در این نماد، دم اژدها نماد آلت مردانه و دهان اون نماد آلت زنانه است و اژدها موجودی که قابلیت باروری را در خود دارد. همچنین «خدای باران مکزیکیان دو مار به هم پیچیده است» (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

اما در باورهای ایرانی، تا جایی که متون ما قدمت دارند، از اژدها به عنوان پتیاره یاد شده است و نماد خشکسالی به شمار می‌آید. ضحاک از اژدهایان اساطیر ایرانی، یک نمود باروری را اسیر کرده و دیگری را می‌کشد. چنانکه اشاره شد، در اساطیر متأخرتر، دختران پادشاه و گاو، نماد ابرهای باران‌زا هستند. ضحاک شهرناز و ارنواز را اسیر کرده و گاو برمایه که نماد دیگر باروری است، از بین می‌برد. در دوران حکومت او، همچنین طبقات اجتماعی برزیگری و کشاورزی که با باروری مرتبطند، از بین می‌رود و صرفاً دو طبقه موبدان و ارتشتاران روی کارند. از سوی دیگر، افراسیاب، نمود دیگر اژدها در روایت‌های ایرانی بازدارنده آب‌هاست. در گزیده‌های زادسپرم اشاره شده است که افراسیاب آب را از ایرانشهر بازمی‌دارد و برای بازگرداندن آب، سپندارمذ در خانه منوچهر پدیدار می‌شود (زادسپرم، ۱۳۶۶: ۱۷). همین روایت در بندهشن نیز آمده است (دادگی، ۱۳۹۰: ۱۳۹) و در بندهشن هندی اشاره شده که افراسیاب هزار چشمه را پایمال و لگدکوب می‌کند (بندهشن هندی، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

این خصوصیت اژدها در حماسه‌های ملی ایران نیز نمودار است. اژدهایان عموماً مردم‌اوبار، رباینده دختران و خراب‌کننده کشت و زرع و دام هستند و به این ترتیب با خشکسالی پیوند می‌خورند:

چنان اژدها کو ز رود کشف      برون آمد و کرد گیتی چو کف...  
زمین گشت بی مردم و چارپای      جهانی مرو را سپردند جای...  
(فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۲)

یا

ز مردم بپرداخت این بوم و مرز      هم از چارپای و هم از کشت‌ورز  
(اسدی‌طوسی، ۱۳۸۹: ۷۵)

در نمونه‌های ذکرشده قسمت دوم نیز این ویژگی اژدهایان کاملاً مشهود بود. بنابراین تقابل گاو و اژدها، نشان تقابل باروری و ترسالی در برابر خشکسالی است. همچنین علت این که سلاح اژدها کشی گرز است، ریشه در دو باور دارد: اول و مهم‌تر؛ شکل گرز که ریشه در اساطیر قدیم‌تر دارد و به شکل گاو است؛ چنانکه گرز میترا، فریدون و گرشاسپ گاوسر است. علت دیگر نیز ریشه در اساطیر دارد و این چنین است که سلاح خدایان آسمان که با باروری کاملاً مرتبط هستند، گرز است؛ مثلاً «نام خدای اعظم هیتی‌ها را که همسرش الهه

Arinna بود، نمی دانیم؛ اما... وی خدای آسمان و طوفان و باده‌ها و صاعقه بود و نمادش صاعقه و تبر یا گرز» (الیاده، ۱۳۸۹: ۹۸).

### ۳. نتیجه‌گیری

در اساطیر و حماسه‌های ملی ما اژدها معمولاً با گرز کشته می‌شود. این اتفاق در بعضی از داستان‌های هند و اروپایی غیرایرانی تکرار شده است؛ به‌گونه‌ای که این سلاح، به‌عنوان سلاح آیینی اژدهاکشی شناخته می‌شود. گرز که به‌وسیله آن اژدها کشته می‌شود، شبیه گاو و علت این که گرز گاو شکل سلاح آیینی اژدهاکشی است، در تقابل گاو و اژدهاست. در اساطیر ایرانی، گاو نماد باروری و اژدها نماد خشکسالی است. در شکل قدیم‌تر اساطیر ایران، موجودی اهریمنی که به شکل اژدها ترسیم می‌شده، بازدارنده آب به شمار می‌آمد. در شکل جدیدتر این اساطیر، آب جای خود را به گاو و دوشیزگان داده‌است که نمادهای باروری هستند؛ بنابراین گاو در جوامع چادرنشین به‌عنوان نماد باروری شناخته می‌شود. این تقابل در باورهای اساطیری و حماسی به شکل کشتن اژدها به‌وسیله گاو درآمده و گرز گاو شکل سلاح آیینی این کار شده‌است.

### منابع

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸)، از اسطوره تا حماسه، تهران: سخن.
- اردستانی رستمی، حمیدرضا. (۱۳۹۴)، «فریدون دهقان، کاوه آهنگر و ضحاک دیو»، بوستان ادب، دوره هفتم، شماره اول، صص ۲۸-۱.
- اسدی‌طوسی، ابونصر علی بن احمد. (۱۳۸۹)، گرشاسب‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: دنیای کتاب.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹)، فردوسی‌نامه (مردم و فردوسی)، تهران: علمی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۹)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۸۱)، اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- بندهشن هندی. (۱۳۸۸)، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دادگی، فرنیغ. (۱۳۹۰)، بندهشن، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۷)، یشت‌ها، تهران: اساطیر.
- پین‌سنت، جان. (۱۳۸۷)، اساطیر یونان، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- جعفری‌دهقی، محمود و مجید پوراحمد. (۱۳۹۲)، «گرز گاو سر فریدون و منشأ آن». ادب فارسی، دوره سوم، شماره دوم، صص ۵۷-۳۹.
- جلالی نائینی، محمدرضا. (۱۳۸۵)، گزیده‌های ریگ‌ودا، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- دیویدسن، آلیس. (۱۳۸۵)، اساطیر اسکاندیناوی، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹)، اژدها در اساطیر ایران، تهران: توس.
- زادسپریم. (۱۳۶۶)، گزیده‌های زادسپریم، ترجمه محمدتقی راشد‌محصل، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۹۳)، سایه‌های شکارشده، تهران: طهوری.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان. (۱۳۸۵)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون.

- فرامرنامه بزرگ. (۱۳۹۴)، تصحیح ماریولین زوتفن و ابوالفضل خطیبی، تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر اول، نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر چهارم، کالیفرنیا و نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- \_\_\_\_\_ (بی تا)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر ششم، کالیفرنیا و نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۱)، «پژوهشی درباره اسطوره نبرد مهر و گاو نخستین و رابطه آن با گرز گاوسر»، ادب پژوهی، شماره ۲۱، صص ۸۹-۱۱۰.
- قلی زاده، خسرو. (۱۳۹۲)، فرهنگ اساطیر ایران، تهران: پارسه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، دانشنامه اساطیری جانوران، تهران: پارسه.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
- مالمیر، تیمور و فردین حسین پناهی. (۱۳۹۱)، «اسطوره اژدهاکشی و طرح آن در شاهنامه». بوستان ادب، دوره چهارم، شماره چهارم، صص ۱۷۱-۱۴۱.
- روایت پهلوی. (۱۳۶۸)، ترجمه مهشید میرفرخایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هال، جیمز. (۱۳۹۲)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب؛ ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- هفت منظومه حماسی. (۱۳۹۴)، تصحیح رضا غفوری، تهران: میراث مکتوب.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۵)، اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.

- Humbach, Helmut and Pallan R. Ichaporia, (1998), Zamyâd Yasht, Wiesbaden: Harrassowitz.